



استاد رضا سعادت نیا

* مقدمه:

در این مقاله به خواست خداوند متعال چشم اندازی خواهیم داشت به برگ های زرینی از زندگی تنها بانویی که در قرآن کریم به نام مبارک او تصریح شده و مقامی بس رفیع دارد و با کمال تجلیل از او سخن به میان آمده است، به تماشای شخصیتی می نشینیم که جلوه گاه عفاف، پاکی، عشق و عرفان است. کسی که ملائکه خدا بر او نازل می شدند و با او سخن می گفتند و در آیات به عنوان آیتی از آیات خدا معرفی گشته و در سوره مبارکه مائده ملقب به صدیقه شده است. آری موضوع، داستان سرگذشت حضرت مریم (س) است. مجاهدی که در طریق بندگی چنان قابلیت و درجاتی را کسب نموده، که از دامن پاک او یکی از پیامبران بزرگ خدا یعنی عیسی مسیح علیه السلام متولد شد و قرآن کریم می خواهد سیره زندگی، عفت، تقوی، معرفت و کمالات او برای همه زنان و دختران جوان الگو باشد، و نه تنها برای زنان بلکه برای مردان هم الگو باشد چرا که اگر انسانی وارسته شد الگوی دیگر انسان هاست.

اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان، اگر زن است باز الگوی مردم است نه زنان... زن چه بد و چه خوب نمونه زنان نیست، زن نمونه است، فرق است بین این دو مطلب که اگر زن خوب شد، آیا نمونه زنان است یا زن نمونه است؟
چه اینکه مرد اگر خوب شد، نمونه مردان نیست بلکه مرد نمونه است.

قرآن کریم می فرماید: آنکه خوب است نمونه مردم است نه نمونه مردان و زن خوب نمونه زنان نیست، بلکه زن نمونه است. چه اینکه زن بد، نمونه زنان بد نیست بلکه نمونه انسان های بد است. (۱) چنانچه در سوره مبارکه تحریم خداوند دو نمونه از زنان بد را نمونه مردم بد و دو نمونه و الگو از زنان خوب و با فضیلت را نمونه ی مردم پاک و با فضیلت معرفی نموده است. (۲) و در همه موارد سخن از مرد و زن نیست چرا که قرآن برای تعلیم و تزکیه جان و روح انسان است و روح موجودی مجرد است که مذکر یا مؤنث در آن راه ندارد.

نتیجه آنکه وقتی قرآن از انبیاء الهی سخن می گوید، زمانیکه از ابراهیم، یوسف، موسی، سلیمان، زکریا، یحیی و... علیهم السلام می گوید تنها برای مردان نیست و هنگامی که از مریم (س) می گوید، اینطور نیست که تنها الگو برای زنان باشد بلکه، برگزیدگان خداوند چه مرد و چه زن، اسوه و الگو برای جنس بشرند و قرآن خود غرض از نزول وحی را هدایت انسان معرفی فرموده است.

«شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدي للناس» (۳)

نکته مهم دیگری را که در مقدمه متذکر می شویم این است که خداوند مریم (س) را در سوره مبارکه مائده به «صدیقه» ملقب نموده است. (وامه صدیقه) (۴) یعنی عیسی علیه السلام دارای مادری بود که سخنان غیب را تصدیق می کرد، او نه تنها صادق بود بلکه از صدیقین به شمار می آمد و «این مبالغه در تصدیق است بدین معنا که نه تنها مصدّقه



۱. زن در آینه جلال و جمال / آیت الله جوادی املی / ص ۱۳۲.
۲. سوره مبارکه تحریم / آیه ۱۰.
۳. سوره مبارکه بقره / آیه ۱۸۵.
۴. سوره مبارکه مائده / آیه ۷۵.

است، نه تنها صادق و صدیق است بلکه صدیق است» (۵) و صدیقان در سوره مبارکه نساء با قافله ای همراهند که خداوند آن کاروان را به عنوان انعام شدگان خود معرفی نموده است.

«وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

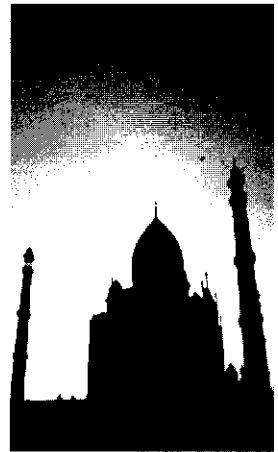
وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (۶)

و همه ما مسلمان ها در شب و روز چندین مرتبه در مقابل قبله به نماز می ایستیم و در قرائت سوره مبارکه حمد از خدای متعال می خواهیم که ما را به راه راست، راه کسانی که آنها را مورد انعام خود قرار دادی هدایت فرما

«اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم..»

نتیجه آنکه یکی از مصادیق بارز راه مستقیم راه انعام شدگان است، راهی است که مریم (س) پیمود پس بر ماست که در قصص قرآن و حکایت بار یافتگان قرب الهی به سیره، خلق و خوی، عبادت و بندگی و ویژگی های اخلاقی این انسان های کامل دقت کنیم و بنگریم مریم چگونه زندگی کرد که خداوند او را آیت خود معرفی نمود، چرا گوهر وجود او را به قبول حسن پذیرفت و میوه وجودش را فرزندگی همچون عیسی علیه السلام قرار داد.

قرآن کریم با تصویر زندگی این پاکان و صالحان، راه کسب درجات و رسیدن به قله های کمال را به نمایش می گذارد و انسان را به تأمل و تفکر شایسته و بایسته وامی دارد که در گذر حیات، فرصت ها را از دست ندهید و نعمت جوانی، اندیشه و خرد، را خرج ارزش های پوچ و خیالی نکند، صرف هوس های جاهلانه و تفاخرات کودکانه نکند، بلکه همانگونه که غرض از خلقت در قرآن کریم عبادت و بندگی معرفی شده «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (۷) در مسیر بندگی که سر منشأ همه کمالات انسانی و سر چشمه همه موهبت های خاص خداوندی در دنیا و آخرت است قدم بردارد، بندگی همان تاج کرامتی که عیسی وقتی در گهواره سخن گشود به عنوان اولین توصیف و اولین ویژگی و افتخار خود به آن تصریح نمود.



۵. زن در آیینه جلال و جمال / آیت الله جوادی آملی / ص ۱۴۵.
 ۶. سوره مبارکه نساء / آیه ۶۹
 ۷. سوره مبارکه ذاریات / آیه ۵۶.

«قال آتی عبدالله...» (۸)

«عبودیت پیوندی است بین انسان و خدای متعال و انسان به هر کمالی برسد بر اثر این پیوند است زیرا بر اثر پیوند با کمال نامحدود، انسان کامل می شود» (۹) و این حقیقت در داستان تمامی برگزیدگان خداوند در قرآن به روشنی دیده می شود.

سرگذشت مریم (س) در دو بخش کودکی و جوانی در دو سوره قرآن کریم بیان شده است. دوران تولد و کودکی در سوره آل عمران و دوران رشد و جوانی و آزمایش بزرگ او در ارتباط با عفاف در سوره مبارکه مریم آمده است.

* تولد مریم (س):

داستان تولد او در سوره آل عمران از آیه ۳۵ با نذر مادرش در دوران حمل و بارداری شروع می شود.

مادر مریم، همسر عمران، و عمران یکی از شخصیت های برجسته و از رؤسا و بزرگان بنی اسرائیل بود و «از تواریخ و اخبار اسلامی و گفته مفسران استفاده می شود که «حَنّه» و «اشیاع» دو خواهر بودند» (۱۰) که حَنّه به همسری عمران و «اشیاع» به همسری زکریا علیه السلام که یکی از پیامبران بزرگ خدا بود در آمد. و این دو خواهر هر دو عقیم و نازا بودند، همسر عمران سال ها در آرزوی فرزند بود تا روزی با مشاهده منظره ای، چنان عشق فرزند در او شعله ور شد که با تمام وجود و از صمیم دل خدا را خواند و این دعای خالصانه او به اجابت رسید و عمران از ناحیه خداوند او را نسبت به وجود فرزندی پر برکت خبر داد. «که می تواند بیماران غیر قابل علاج را درمان کند و مردگان را به فرمان خدا حیات بخشد و به عنوان پیامبر به سوی بنی اسرائیل فرستاده می شود» (۱۱).

طولی نکشید که همسر عمران به دنبال دریافت این خبر مسرت بخش باردار شد و در همان دوران بارداری، عمران از دنیا رفت و در چنین شرایطی که از یک طرف بزرگترین حامی و یار و یاور خود را از دست داده بود، و از طرفی اکنون فرزندی در شکم دارد که سال ها در آرزوی آن به سر برده است درباره آن نذر کرد.



۸. سوره مبارکه مریم / ۲۰.

۹. همان / ص ۳۵۶.

۱۰. تفسیر نمونه / ج ۲ / ص ۳۹۳.

۱۱. همان / ص ۳۹۴.

«قالت رب آتی نذرت لك ما فی بطني محرراً فتقبل مني انك انت السميع العليم»
 «(به یاد آور) هنگامی که همسر عمران گفت: خداوند! فرزندتی را که
 در رحم دارم برای تو نذر کردم محرر (آزاد برای خدمت خانه تو)
 باشد، نذر مرا بپذیر که تو دعای بندگان را بشنوی و به اسرار و احوال
 همه آگاهی» (۱۲)

آنچه در این آیه و آیات بعد، از جنبه های بسیار مهم و محتوایی این
 داستان به شمار می رود و توجه شایسته و بایسته به آن لازم است،
 پاکی و فضیلت این مادر است و خدای متعال این فضائل و این عشق و
 پاکی را تصویر نمود است تا نقش این مادر را در تربیت چنین
 فرزندی، فراموش نکنیم و بیاموزیم که هیچ چیز در عالم به گراف و
 بدون علت به وجود نمی آید، اگر مریم، مریم شد، اگر نام مبارکش
 در قرآن جاودانه شد، اگر به عنوان برگزیده خداوند معرفی شد، اگر
 ملقب به صدیقه شد، اگر روزی، از جانب غیب بر او نازل می شد،
 اگر هم صحبت فرشتگان شد و اگر مدال و افتخار مادری عیسی علیه السلام را
 گرفت، بنگرید و ببینید مرئی او چه کسی بود، ببینید در دامن چه
 مادری پرورش یافت.

لذا اولین گواه بر کمالات، فضائل و قلب پاک و مملو از عشق به خدا،
 در این مادر، نذر اوست که در چنین شرایط سخت و حساس و در
 حالیکه طبیعتاً باید صدها آرزو برای این کودک و آینده خود داشته
 باشد بر نفس خود واجب می کند این طفلی که در رحم دارد را برای
 خدا تحریر کند، «تحریر» یعنی «آزاد کردن از قید و بند ... و پر واضح
 است که آزاد نمودن فرزند معنایش آزاد نمودن از قید رقیب و بندگی
 نیست، بلکه منظور آزاد نمودن از قید ولایت و سرپرستی است که آن
 دو (پدر و مادر) نسبت به اولاد خود دارند» (۱۳) به این معنا که پدر و
 مادر فرزند را به خدمت نگیرند و او تنها خدا را خدمت کند و منظور
 از خدمت خدا اینکه در مساجد و اماکن مقدسه که خاص عبادت
 خداست به خدمت مشغول شود.

به طوری که گفته شده کسانی که فرزندان شان را تحریر می کردند
 دیگر از آنها استفاده شخصی نمی بردند بلکه فرزند تحریر شده به



۱۲. سوره مبارکه آل عمران / آیه ۳۵.
 ۱۳. ترجمه المیزان / علامه طباطبائی /
 ج ۳ / ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

خدمت و نظافت کنیسه و امثال آن مشغول می شد، تا به سن بلوغ که می رسد با اختیار خود اگر می خواست می ماند و به کار خود ادامه می داد و گرنه از آن دست برداشته و به کار دیگری که به دلخواه خودش بود می پرداخت.

علامه طباطبایی از جمله ی «رَبَّآی نذرت لك ما فی بطنی محرراً...» دو مطلب را استفاده می نماید. اول آنکه این سخن زوجه عمران اشاره بر وفات «عمران» دارد، چرا که اگر عمران در قید حیات بود همسرش چنین استقلالی در تحریر فرزندش نداشت چنانکه آیه ۴۴ همین سوره «وما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايمهم يكفل مریم» نیز بر وفات عمران دلالت دارد. دوم آنکه از آیه شریفه که سخن زوجه عمران را بدون قید و شرط و تعلیق بیان نموده چنین استفاده می شود که او به طور قطع چنین عقیده داشت که فرزندی که در رحم دارد پسر است.

بهر حال نذر خالصانه او و اهداء بهترین و عزیزترین چیزی که داشت به پیشگاه خدای متعال موجب و سر منشأ (برگزیدن) آل عمران برای نبوت از سوی خداوند شد چنانچه بعضی از مفسرین کلمه «اذ» در ابتدای آیه ۳۵ را «اذ قالت امرت عمران...» متعلق به فعل «اصطفي» که در آیه ۳۴ آمده گرفته اند یعنی «آنگاه خداوند آل عمران را برگزید که همسر عمران نذری مخلصانه کرد و اخلاص از «لك» (در عبارت، نذرت لك) استفاده می شود» (۱۴)

«فلما وضعها قالت ربّانی وضعها اثی...» ولی هنگامی که وضع حمل نمود با حسرت و اندوه گفت خدایا فرزندی که زاده ام دختر است» (۱۵)

البته این اظهار حزن و حسرت به خاطر نذری بود که با پسر مناسبت داشت و یا ممکن است «به گمان عدم پذیرش نذر بوده است» (۱۶) ولی قبل از ادامه گفتار او، دو جمله به عنوان جمله های متعرضه که به بیان تفسیر المیزان، هر دو، گفتار خداوند متعال می باشد آمده است:

«والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثی»

خداوند با جمله اول «می خواهد بیان دارد که ما هم می دانستیم که او



۱۴. تفسیر راهنما، ج ۲/ ص ۴۰۵.

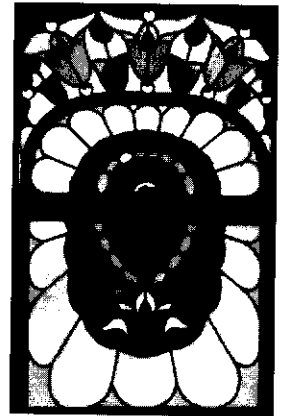
۱۵. سوره مبارکه آل عمران / آیه ۳۶.

۱۶. همان، ج ۲/ ص ۴۰۸.

دختر است لیکن می خواستیم آرزوی او را به وجه احسن و طریق بهتری عملی سازیم و اگر «زوجه عمران» منظور ما را در آن قسمت می دانست ابتدا اظهار تحسّر و حزن نمی نمود... زیرا بالاترین چیزی که در حق آن پسر امکان داشت، آن بود که چون «عیسی» پسر شود که کور مادر زاد را بینا و کر مادر زاد را شنوا سازد، و مرده را زنده نماید، لیکن بر وجود این دختر آثار بالاتر از آن مترتب است اولاً وجود این دختر وسیله ای است که از او پسر بدون پدر بوجود آید، در ثانی خودش و پسرش دو آیت الهی برای جهانیان باشند و ثالثاً کودک او در گهواره با مردم تکلم کند و همچنین «روح الله» و کلمه الله باشد و مثل او در نزد خدا مثل آدم شود، اینها وسایر آیات و علامات، همان قسمت هایی است که بر وجود آن دختر و فرزند مبارکش «عیسی علیهما السلام» مترتب شده است» (۱۷)

در راستای گفتار المیزان بعضی از مفسران برخلاف کسانی که جمله دوم «ولیس الذکر کالانثی» را ادامه سخن مادر مریم (س) می دانند، می گویند «الف و لام» در «الانثی» عهد حضوری است و اشاره به مریم است و الف و لام در «الذکر» برای جنس و استغراق است» (۱۸) با این بیان خدای متعال می خواهد بگوید هیچ مردی مانند این دختر نیست یعنی هیچ مردی نمی تواند نقش این مادر را در تربیت فرزندش همچون «عیسی» ایفا کند چنانکه خیلی ها آدم خوبی هستند ولی نمی توانند مادر برای فرزندش همچون مریم (س) باشند شرایط بسیاری لازم است تا انسان به جایی برسد که فرزندش را اینگونه به خدا اهدا کند.

به هر حال چیزی نگذشت که همسر عمران خود متوجه شد که اگر آن فرزند موعود از من به دنیا نیامد شاید بعد ها از این دختر به وجود آید. بر همین اساس با عشق و امید او را نامگذاری کرد و نامی بر او نهاد که خود دلیلی دیگر بر تعالی روح و فضائل این مادر است. «وای سمیها مریم» خدایا نام این کودک را مریم نهادم. «مریم در لغت عبرای به معنی عابده و خادمه است.» (۱۹)



۱۷. ترجمه تفسیر المیزان / ج ۳ / ص ۲۰۸.

۱۸. تفسیر راهنما / ج ۲ / ص ۴۰۸.

۱۹. المیزان / ج ۳ / ص ۴۰۹.

می بینیم نامگذاری او هم رنگ خدایی دارد، شور و عشق، وقف فرزند، در مسیر خدمت به دین خدا در نامگذاری او هم تبلور دارد چرا که، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

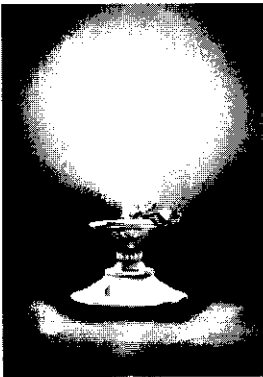
از طرفی این نامگذاری نشانگر تصمیم اوست که طبق نذری که کرده بود عمل کند و او را به کاری گیرد که از پسر انتظار داشت. «پس جمله - وائی سمیتها مریم - به منزله آن است که گفته باشد من دختر خود را «محرره» نمودم یعنی نذر کردم که این دختر را در راه خدا آزاد کنم که به عبادت و بندگی حق مخصوص شود.» (۲۰)

بعد از نامگذاری روی نیازش را به طرف خداوند برد و در حق این نوزاد و فرزندان او دعا کرد. «وائی اعیذها بك وذریتها من الشیطان الرجیم» خدایا این نوزاد و فرزندانی که در آینده از او پا بیه عرصه وجود می گذارند را به تو می سپارم که از وسوسه های شیطان دورشان کنی و آنها را در پناه لطف خود قرار دهی. این دعای نمونه بارز دیگری از فضائل این مادر است، چنان به تربیت و کمال فرزند توجه دارد و چنان عشق و علاقه به بندگی او، در مقابل رب العالمین دارد که اول کار او استعاذه به درگاه اوست، پناه خواهی از شر شیطان که دشمنی قسم خورده و خطری بزرگ در مسیر کمال انسانی است.

از همین روی بعضی بین این دعا و استعاذه مادر در بدو تولد، و استعاذه ای که مریم در سنین رشد و جوانی و آن هنگام که به اراده خداوند جبرئیل به صورت انسانی در کمال زیبایی در خلوتگاه او سر کشید، ارتباط برقرار می کنند صحنه ای که آزمایشی بزرگ و سخت درباره او بود، همانگونه که در ابتدای گفتار بیان شد در قرآن یوسف و مریم به عنوان دو مظهر عفاف مطرح شده اند، هم یوسف مبتلا شد و در اثر عفاف نجات پیدا کرد و هم مریم امتحان شد و در پرتو عفاف نجات پیدا کرد، اما شواهدی گویای آن است که ابتلای مریم به هنگام تمثیل فرشته الهی به مراتب سخت تر از یوسف بود.

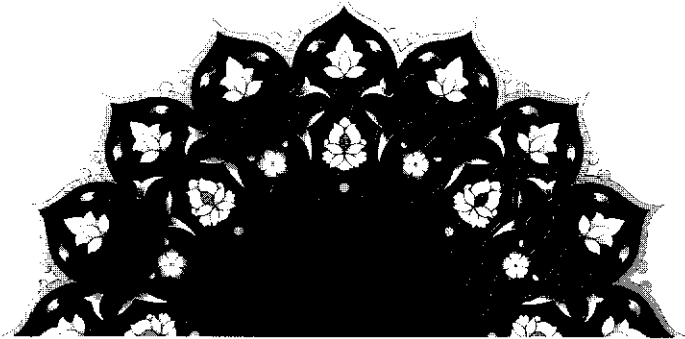
«فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً» (۲۱)

در رابطه با این آزمایش تنها به بی بی از مثنوی بسنده می کنیم:



۲۰. همان / ص ۳۰۹.

۲۱. سوره مبارکه مریم / آیه ۱۷.



صورتی که یوسف از دیدی عیان

دست بپریدی زهیرت چون زنان

مولوی در توصیف آن فرستاده خداوند در خلوتگاه مریم، می گوید: یوسف - آن زیبایی زیباییان که وقتی زنان درباری مصر او را دیدند دستان خود را از شگفتی بریدند - اگر این صورت را می دید دستان خود را می برید، ولی مریم هم در این گرداب خطر برای رهایی، مثل یوسف به خدا پناهنده می شود که استعاذه او در آیه ۱۸ سوره مبارکه مریم آمده است: «قالت ابي اعوذ بالرحمن منك ان كنت نكياً» و این استعاذه او اثر و نتیجه استعاذه، مادر هنگام تولد اوست، مادر مریم، مریم را به خدا پناه داد و آن پناه را خداوند پناهندگی داد و در پناه خود پذیرفت و قرآن کریم در این آیات و نیز روایات، ما را به نقش و تأثیر روحیات مادر در فرزند و آینده او توجه و هشدار می دهد و بالاخره نتیجه این مختصر آنکه آیات مربوط به تولد حضرت مریم (س) در سوره مبارکه آل عمران به روشنی بیانگر این حقیقت است که مادر مریم چنان قابلیتی داشت که از دامان او فرزندی همچون عیسی عليه السلام متولد شود، مادری که خوراک او پاک است، مادری که قلبی مملو از محبت خدای متعال دارد، با طهارت و ذکر و دعا و روحی پاک فرزند خود را شیر می دهد. فرزند او همچون میوه شجره طیبه ای می شود که ریشه آن از چشمه پاک مواهب خاص خداوندی ارتزاق می کند و همواره بهره مند است.

والسلام